

نقش تقیه در پیشبرد اهداف اطلاعاتی نظام اسلامی

سیف‌الله صرامی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۹/۱۸

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره چهاردهم
- پاییز ۹۵

نقش تقیه در
پیشبرد اهداف
اطلاعاتی نظام
اسلامی
(۶۱ تا ۷۶)

چکیده

نقطه‌ی آغازین توجه به نقش تقیه در اهداف اطلاعاتی، رازداری و پنهان‌داری در کار اطلاعاتی است. برای پختگی و تعمیق این توجه، در گام نخست باید اهداف اطلاعاتی را به صورت علمی و مبنایی شناخت؛ این کار با شناخت مفاهیم بنیادی در اطلاعات و اهداف حکومت در اسلام قابل انجام است. اگرچه با افزوده شدن پاره‌ای تفاسیر و توضیحات ممکن است همه‌ی اهداف معتبر اطلاعاتی در نظام اسلامی ضروری دانسته شوند، اما اجرای احکام تقیه مداراتی در بسیاری از موارد با اشکال روبه‌روست؛ از این رو در گام دوم باید نقش‌پذیری احکام تقیه‌ی خوفی در پیشبرد اهداف ضروری اطلاعاتی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی:

اطلاعات، نظام اسلامی، اهداف اطلاعاتی، تقیه‌ی خوفی، تقیه‌ی مداراتی.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (sarrami.sayfollah@isca.ac.ir).

مقدمه

اطلاعات، لازمه‌ی ناگسستگی امنیت در یک نظام حکومتی است. حکومت‌ها بدون داشتن اطلاعات کافی و به‌موقع و تحلیل درست از آن‌ها نمی‌توانند امنیت مناسب و مورد نظر خود را برقرار کنند. ضرورت امنیت برای هر جامعه‌ای، جهت پیشبرد اهداف خرد و کلان خود، امری کاملاً روشن و واضح است. هم‌چنانی که در آموزه‌های فقهی در مورد امنیت می‌توان مبانی و فروع متنوعی را به‌دست آورد، درباره‌ی لازمه‌ی آن‌ها نیز می‌توان چنین کاری را در نظر گرفت. در این‌جا تلاش می‌کنیم زمینه‌ی پژوهش فقهی در یکی از سرفصل‌های مهم و تأثیرگذار فقه وزین امامیه، یعنی تقیه در اهداف اطلاعاتی را به اختصار ارائه کنیم. از یک‌سو نقطه‌ی آغازین توجه به نقش تقیه در نهاد اطلاعاتی، وجود عنصر "رازداری" هدفمند در تقیه است که براساس ادله آن‌را بررسی خواهیم کرد؛ و از سوی دیگر، وجود نقش محوری عنصر "پنهان‌کاری" در اطلاعات است (شولسکی، ۱۳۹۴: ۳۴۳). تداخل مفهومی و مصداقی این دو عنصر، ذهن را متوجه رابطه‌ی "تقیه" و "اطلاعات" می‌کند. به‌نظر نویسنده، تداعی ناسازگاری اولیه‌ی جنبه‌ی منفی پنهان‌کاری با رویکرد مثبت و ارزشی تقیه در منابع اسلامی، مانعی منطقی بر سر راه تحقیق و بررسی علمی نیست. پرسش اصلی این است که تقیه در فقه امامیه - با اقسام و احکام تکلیفی و وضعی‌ای که دارد - چه تأثیراتی را ممکن است در پیشبرد اهداف اطلاعاتی نظام اسلامی داشته باشد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است از یک‌سو به تقیه و احکام آن نظر افکنده شود و از سوی دیگر به اهداف اطلاعاتی. در این‌جا ابتدا تلاش می‌کنیم بر اساس منابع و مستندات موجود، چشم‌اندازی از آن‌چه اهداف اطلاعاتی در نظام اسلامی می‌نامیم، ارائه دهیم؛ سپس زمینه و درآمدی را برای پژوهش فقهی حول نقش تقیه در پیشبرد اهداف اطلاعاتی نظام اسلامی ارائه نماییم.

۱. اهداف اطلاعاتی در نظام اسلامی

بدون شک امنیت جامعه در یک نظام حکومتی یکی از مهم‌ترین اهداف و درمعنای موسعی از امنیت، هدف اصلی و نهایی اطلاعات است. این هدف آن‌قدر کلی است که نمی‌تواند برای یک بررسی علمی کمک چندانی کند؛ لذا باید زیر مجموعه و فروع آن - که به‌عنوان "اهداف اطلاعاتی" یاد می‌شوند - شناسایی گردند. برای این کار لازم است ابتدا با اصطلاح اطلاعات و برخی از واژگان پیرامونی آن آشنا شویم. در این‌جا تلاش می‌کنیم در حد دانش خود از مقوله اطلاعات و مستنداتی که در اختیار داریم، اهداف

اطلاعاتی را بازخوانی کنیم. طبعاً از پیش فرض حکومت مشروع اسلامی در این بازخوانی استفاده خواهیم کرد.

۱.۱. اطلاعات

با نظر به معنای اصطلاحی اطلاعات، سه کاربرد مختلف را می‌توان برای آن تصویر کرد: «آگاهی؛ نوع سازمانی که این آگاهی را ایجاد می‌کند و فعالیت‌هایی که سازمان مذکور انجام می‌دهد» (علیخانی، ۱۳۹۴: ۱۶؛ داوئل، ۱۳۹۴: ۴۱؛ شولسکی، ۱۳۹۴: ۳۳۹). اندکی تأمل در این سه اطلاق نشان می‌دهد که هر یک از این سه، به‌جهتی از جهات مختلف کاری که یک سازمان اطلاعاتی انجام می‌دهد نظر دوخته‌اند؛ یعنی اولی به محصول، دومی به سازمان و سومی به فرآیند کار نظر دارد. بنابراین، هر تعریفی که از اطلاعات ارائه شود، می‌تواند برای هر یک از سه اطلاق بازسازی شود. یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد: «اطلاعات به اخباری که با تدوین و اجرای سیاست کشورها جهت تأمین منافع امنیتی و مقابله با تهدیدات حریفان بالفعل یا بالقوه نسبت به آن منافع سروکار دارد، اطلاق می‌شود» (شولسکی، ۱۳۹۴: ۱۷). اگرچه این تعریف به محصول نظر دارد، اما به‌راحتی می‌توان براساس آن، سازمان و فرآیند را هم تعریف کرد. در این‌جا درگیر بحث‌ها و اشکالات تعریف نشده و همین تعریف را مفروض می‌گیریم.

۱.۲. ارکان اطلاعات

برای شناخت بهتر اطلاعات، توضیح ارکان اطلاعات مفید است. ظاهراً ارکان اطلاعات با توجه به جهت فرآیند بودن اطلاعات - از سه جهتی که پیش‌تر ذکر گردید - عبارت است از چهار رکن: جمع‌آوری، بررسی، اقدام پنهان و ضداطلاعات (همان: ۲۵). گردآوری داده‌ها از طریق جاسوسی، روش‌های فنی مانند عکس‌برداری و شنود ارتباطات الکترونیکی یا هر طریق دیگر، "جمع‌آوری" نامیده می‌شود. "بررسی" فرآیندی است از پردازش اطلاعات جمع‌آوری شده با هدف ارائه‌ی نظر در مورد توانایی‌ها، مقاصد و فعالیت‌های طرف مقابل. "ضداطلاعات" عبارت است از حفاظت از یک جامعه و به‌ویژه توانایی اطلاعاتی آن در برابر اقدامات سازمان‌های اطلاعاتی حریف (همان: ۲۶ و ۲۷). اما "اقدام پنهان" را تلاش یک کشور در دنبال‌نمودن اهداف سیاست خارجی خود با انجام برخی اقدامات مخفیانه جهت تأثیرگذاری بر رفتار کشور دیگر یا تأثیر بر حوادث و شرایط سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی آن دانسته‌اند (همان: ۱۶۶). روشن است که جنس رکن اخیر با جنس ارکان دیگر متفاوت است. از این‌رو به‌لحاظ نظری با این پرسش مواجه هستیم که: آیا اقدام پنهان را باید بخشی از کار اطلاعاتی محسوب کنیم یا نه؟ هم‌چنین به‌لحاظ عملی با

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره چهاردهم
- پاییز ۹۵

نقش تقیه در
پیشبرد اهداف
اطلاعاتی نظام
اسلامی
(۶۱ تا ۷۶)

این پرسش روبه‌رو می‌شویم که: آیا این رکن باید ساختار اداری جداگانه‌ای داشته باشد یا توسط سازمان‌های جمع‌آوری و بررسی اطلاعات انجام شود؟ (همان: ۱۹۶)

۱.۳. اقسام اطلاعات

براساس سطوح مختلف، اطلاعات را به سه قسم: راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی تقسیم می‌کنند. اطلاعاتی را که فقط برای استفاده‌ی مدیریتی جمع‌آوری شود و با پرسش‌های کلی مربوط به مأموریت، آرمان‌ها، اهداف، برنامه‌ها و برنامه‌ریزی منابع سروکار داشته باشد، اطلاعات راهبردی می‌نامند (داوئل، ۱۳۹۴: ۴۳). براساس این تعریف، اطلاعات راهبردی مستقیماً با عملیات و کاربرد رابطه ندارد، بلکه در سطحی کلی و نسبتاً انتزاعی است. در مقابل، اطلاعاتی که در خدمت نیازهای روزمره‌ی سرپرستان و مدیران رده‌پایین باشند و بر فعالیت‌های فوری، تکراری و مستمر سازمان (وظایف خط مقدم) تمرکز کنند، اطلاعات تاکتیکی یا عملیاتی نامیده می‌شوند (همان: ۴۳). تفاوت اطلاعات تاکتیکی با اطلاعات عملیاتی که باعث می‌شود در مجموع سه قسم اطلاعات داشته باشیم در این است که اطلاعات عملیاتی در جایی اطلاق می‌شود که اطلاعات مربوط به فرد هدف باشد، ولی اطلاعات تاکتیکی وقتی به کار می‌رود که اطلاعاتی هماهنگ‌تر شده درباره‌ی چند هدف یا چند حوزه‌ی قضایی در کار باشد (همان: ۴۴).

۱.۴. قلمرو اطلاعات

مفهوم امنیت (امنیت ملی) که در تعریف اطلاعات اخذ شده است و در تعریف بالا هم با تعبیر منافع امنیتی مورد اشاره است، می‌تواند قلمرو اطلاعات را نشان دهد. قلمرو اطلاعات بسته به سعه و ضیق است که در مفهوم و مصادیق امنیت در نظر بگیریم. مفهوم اصلی یا قدر متیقن امنیت ملی، حفاظت از کشور در مقابل تهدیدات کشورهای خارجی است (شولسکی، ۱۳۹۴: ۲۰). می‌توان قلمرو مربوط به امنیت خارجی را اطلاعات خارجی نامید که در مقابل قلمرو داخلی با نام «اطلاعات داخلی» است. در توضیح قلمرو داخلی اطلاعات، آن را به تهدیدات افراد و گروه‌هایی که از طریق غیرقانونی در صدد سرنگون کردن دولت هستند یا با استفاده از خشونت به دنبال تغییر سیاست‌های دولت می‌باشند، یا در پی جدانمودن اعضای یک گروه قومی و نژادی یا مذهبی مفروض از ملت برمی‌آیند، مربوط دانسته‌اند (همان: ۲۱). به این ترتیب دو قلمرو خارجی و داخلی برای اطلاعات روشن می‌شود. این دو مفهوم که حصر عقلی دارند، همه‌ی مصادیق قلمرو اطلاعات را پوشش می‌دهند. بنابراین ذکر برخی مصادیق این دو به دلیل اهمیت آنهاست. قاچاق مواد مخدر، تروریسم بین‌الملل و گونه‌هایی از جنایات سازمان یافته، از جمله‌ی این مصادیق هستند (همان: ۲۲). هم‌چنین،

حوزه‌هایی از اقتصاد که بسته به ماهیت نظام سیاسی و نظام اقتصادی دولت جنبه‌ی امنیتی داشته باشد، مصادیق دیگری از قلمروهای خارجی یا داخلی اطلاعات است (همان: ۲۴). یکی از صاحب‌نظران مصادیقی از قلمرو کاربردی اطلاعات را چنین برمی‌شمارد:

«مواد مخدر، خشونت خانگی، اسشمار کودکان و نوجوانان (از جمله سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان)، جرائم خشونت بار، مهاجرت و جابه‌جایی غیرقانونی پناهجویان، تروریسم و دیگر انواع خشونت و جرم با انگیزه‌های سیاسی، جرائم سازمان‌یافته در اشکال و گروه‌بندی‌های مختلف؛ جرائم مالی از جمله پول‌شویی، کلاه‌برداری‌های بزرگ در انواع مختلف؛ و جرائم زیست‌محیطی، از جمله مقابله با آلودگی و حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری مواجه با خطر» (داوئل: ۶۸).

۱.۵. شمارش و تقسیم اهداف اطلاعاتی در نظام اسلامی

اکنون با توجه به مفهوم، ارکان، اقسام و قلمرو اطلاعات، این امکان وجود دارد که از روی آن‌ها، اهداف اطلاعاتی را شمارش کنیم. اما به نظر می‌رسد توجه به این موارد کافی نیست، بلکه لازم است علاوه بر این، توجه کنیم که اهداف کلان اطلاعاتی و طبعاً اهداف خرد زیرمجموعه‌ی آن، همواره متأثر از اهداف اصلی نظام سیاسی حکومتی است که مجموعه‌ی اطلاعات در خدمت آن است. این مطلب را برخی از اظهارنظرها درباره‌ی گستره‌ی اطلاعات تأیید می‌کنند (شولسکی، ۱۳۹۴: ۲۱). هم‌چنین تأمل منطقی در مطلب فوق نیز برای تصدیق آن کافی است. لذا در این جا با این پیش‌فرض که به دنبال اهداف اطلاعاتی در نظام حکومتی اسلام هستیم، ابتدا نگاهی به فهرست اهداف حکومت در اسلام می‌اندازیم و سپس آن را در کنار مفهوم، ارکان، اقسام و قلمرو اطلاعات دست‌مایه‌ی ارائه‌ی اهداف اطلاعاتی قرار می‌دهیم.

اهداف حکومت در اسلام را - همان‌که در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برپایه‌ی اصل دوم آن بیان شده است - در این جا مفروض می‌گیریم تا برای رعایت اختصار و تمرکز بر موضوع اصلی مقاله وارد مستندات و بررسی آن نگردیم. در اصل سوم، شانزده امر شمارش شده است که باید دولت جمهوری اسلامی ایران برای تحقق آن همه‌ی امکانات خود را به کار برد. در این اصل گرچه از امور کلی ذکر شده در اصل دوم به‌عنوان اهداف یاد می‌کند، اما تردیدی نیست که امور مذکور در اصل دوم از سنخ امور تکوینی خارجی هستند که متعلق اعتقادات قرار گیرند، نه از جنس هدف که باید برای تحقق آن تلاش به‌عمل آید؛ کما این‌که در خود اصل دوم آن‌ها را متعلق ایمان ذکر می‌کند، اما امور

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره چهاردهم
- پاییز ۹۵

نقش تقیه در
پیشبرد اهداف
اطلاعاتی نظام
اسلامی
(۶۱ تا ۷۶)

- ذکر شده در اصل سوم از سنخ هدف هستند، هرچند در این اصل تعبیر هدف برای آنها به کار نمی‌رود. به هر حال اهداف ذکر شده در اصل سوم به قرار زیر است:
- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛
 - بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده‌ی صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛
 - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛
 - تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛
 - طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛
 - محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛
 - تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛
 - مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛
 - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی؛
 - ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری؛
 - تقویت کامل بنیه‌ی دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور؛
 - پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه؛
 - تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها؛
 - تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؛
 - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه‌ی مردم؛
 - تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

با توجه به تعریف، ارکان و قلمرو اطلاعات، برخی از اهداف فوق به روشنی مبنای اهداف اطلاعاتی قلمداد می‌شوند. به عبارت دیگر، تحقق برخی از این اهداف بدون انجام وظیفه‌ی دستگاه اطلاعاتی کشور امکان‌پذیر نیست. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب - که در بند پنجم آمده است - مثال روشن این گونه اهداف است. این هدف در قدرمتیقن قلمرو اطلاعات که از آن به اطلاعات خارجی تعبیر شد، قرار دارد. برخی دیگر از این اهداف قابلیت این را دارند که قلمرو گسترده‌تری را برای اطلاعات و در نتیجه اهداف اطلاعاتی رقم زنند. برای مثال، فعالیت‌های گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی به لحاظ و در محدوده‌ی بند پانزدهم، در صورتی که برادری اسلامی و تعاون عمومی را به مخاطره اندازد، می‌تواند تحت پوشش اهداف اطلاعاتی درآید. بند ششم نیز به همین توجیه با گستره‌ای فراتر از گروه‌های اجتماعی و شامل اجزای خود حکومت برای دستگاه اطلاعاتی هدف‌ساز است.

اهداف فوق را به لحاظ قابلیت میناشدن برای اهداف اطلاعاتی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ی اول، مبنای اهداف متیقن و مسلم اطلاعاتی؛ و دسته‌ی دوم برای اهداف توسعه‌انگاران‌هی اطلاعاتی. به لحاظ تأثیری که به نظر می‌رسد این تقسیم درباره‌ی نقش تقیه در اهداف اطلاعاتی داشته باشد، در ادامه به این نقش می‌پردازیم.

با توجه به مفهوم، ارکان، اقسام و قلمرو اطلاعات از یک سو و اهداف متنوع حکومت اسلامی مورد نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، می‌توان این اهداف را چشم‌انداز اهداف کلان اطلاعاتی یا اهداف راهبردی اطلاعاتی یا شاید خود اهداف اطلاعات راهبردی (از میان سه قسم پیش‌گفته‌ی اقسام اطلاعات) در نظام اسلامی قلمداد کرد. بدیهی است تفسیر این اهداف و به کارگیری آن‌ها در فرآیندهای اطلاعاتی نیازمند مباحث کارشناسانه در حوزه‌های مختلف فقهی، حقوقی، سیاسی، جامعه‌شناسی و غیره است تا بتوان از رهگذر آن، آیین‌نامه‌ی اجرایی تدوین کرد. اما به اندازه‌ای که در این نوشتار برای بررسی نقش تقیه نیاز داریم، می‌توانیم لاقلاً چشم‌انداز اهداف اطلاعاتی در نظام اسلامی را از روی اهداف مذکور در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملاحظه کنیم.

۲. کلیاتی از تقیه در فقه امامیه

تقیه ریشه در قرآن دارد. در سوره‌ی آل‌عمران می‌خوانیم:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتًا وَيَحْذَرِكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ؛
مؤمنان کافران را به جای مؤمنان دوست خود نگیرند، کسی که چنین کند پیش

خداوند چیزی ندارد؛ مگر این که خطری از جانب آن‌ها را از خود دفع کنید و خداوند به شما درباره‌ی خود هشدار می‌دهد و بازگشت به سوی اوست» (۲۸).

ماده لغوی "وقایه" (به معنای دفع ضرر و خطر از خود به واسطه‌ی چیزی) با کاربرد واژه‌ی «تقاة» (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶: ۲۵۲۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۴، ج ۵: ۲۱۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵: ۴۰۱) در آیه‌ی شریفه آمده است؛ کاربرد آن هم برای استثنا کردن از یک منع (منع دوستی با کافران) است. استثنا در صورتی است که خطر وارد شدن ضرر یا صدمه‌ای در کار باشد. معنای استثنا این است که اگر دوستی نکردن با کافر باعث توجه ضرر و صدمه شود، می‌توان دوستی کردن با او را وسیله‌ی دفع ضرر و صدمه قرار داد.

۲.۱. تعریف تقیه

هسته‌ی اصلی معنای تقیه در فقه امامیه در آیه‌ی شریفه فوق‌الذکر آمده است؛ این که در شرایطی عمل نکردن به وظیفه‌ی شرعی وسیله‌ای برای دفع شری قرار گیرد. این معنای قرآنی را می‌توان دست‌مایه‌ی تعریف اصطلاحی تقیه در فقه قلمداد کرد. شیخ انصاری می‌نویسد: «تقیه، پیشگیری از ضرر کسی به وسیله‌ی موافقت با او در نظر یا رفتاری مخالف با حق است» (انصاری، ۱۴۱۲ق: ۳۷؛ بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۴۹؛ شهید اول، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۷). همین معنای اصلی را فارغ از مناقشات قابل طرح در جزئیات می‌توان از روایات متعدد درباره‌ی تقیه به دست آورد (بروجردی، ۱۳۷۷، ج ۱۸: ۳۷۱). در یک نمونه، به نقل از پیامبر اکرم (ص) درباره‌ی کسی که در چنگ دشمنان می‌افتد و از او می‌خواهند سخن برخلاف حق بگویند، می‌خوانیم: «شکنجه‌ی دشمن را با گفتاری که آن‌ها را راضی کند، از خود دفع کن» (بروجردی، ۱۳۷۷، ج ۱۸: ۴۶۰).

نکته‌ی مهمی که باید در تعریف اصطلاح تقیه - برگرفته از ادله‌ی آن - در مقایسه با معنای لغوی‌اش مورد توجه قرار گیرد، عنصر رازداری و اطلاعاتی عمل کردن در تعریف تقیه است؛ همین نکته است که در آغاز این نوشتار، پیوند نخستین تقیه با کار اطلاعاتی دانسته شد. توضیح نکته این که معنای مورد اشاره در چند سطر پیش، برای ماده‌ی لغوی تقیه (وقایه)، دفع شر و خطر به واسطه‌ی هر چیزی است؛ اما در معنای اصطلاحی، دفع شر به واسطه‌ی مطلق هر چیز ملاک نیست. در معنای اصطلاحی واسطه‌ی دفع شر، در مقایسه با معنای لغوی، مقید است. قید معنای اصطلاحی عبارت است از «موافقت با کسی». در معنای اصطلاحی، دفع شر تنها با موافقت و همراهی با دیگری صورت می‌گیرد. موافقت و همراهی با دیگری وسیله‌ی دفع شر می‌شود. علاوه بر این، قید دیگری هم هست؛ این قید عبارت از مخالف بودن موافقت و همراهی دیگری با حق است. این جاست که عنصر رازداری و پنهان کاری در اصطلاح تقیه اثبات می‌شود؛ زیرا طبق اصطلاح، کسی که تقیه

می‌کند، خود را در گفتار یا رفتار موافق با کسی که از او تقیه می‌شود، نشان می‌دهد، درحالی که گفتار یا رفتار حق و درست را مخالف با گفتار یا رفتار موافق با او می‌داند. بنابراین در فرآیند تقیه، گفتار یا رفتاری درست و حق، برای دفع شری پوشیده و پنهان می‌شود. از همین روست که در برخی روایات (بروجردی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ۵۰۶) تقیه، «خبا» به معنای پوشش و پوشاندن نامیده شده است. هم‌چنین، به دلیل وجود عنصر رازداری و پنهان‌کاری در اصطلاح تقیه است که روایات فراوانی مبنی بر ضرورت حفظ امر اهل‌بیت(ع) و پرهیز از اشاعه و افشای آن در جوامع روایی در شمار اخبار تقیه طبقه‌بندی شده است که البته در برخی از آن‌ها لفظ تقیه هم به کار رفته است (بروجردی، ۱۳۷۷، ج ۱۸: ۴۰۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۶: ۲۳۵؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۲۷۴). وجه منطقی طبقه‌بندی یادشده این است که در حالت طبیعی و در صورتی که جامعه و اطرافیان با اهل‌بیت(ع) همراه و همدل باشند، ترویج و اشاعه‌ی معارف اهل‌بیت(ع) ناشایست نیست، بلکه پسندیده و لازم است. حفظ و رازداری در جامعه‌ای است که به دلیل غلبه‌ی جهل و دشمنی نسبت به اهل‌بیت(ع) و معارف ناب آنان، از ناحیه‌ی این اشاعه، شرور و خطرات فردی و اجتماعی پیش می‌آید. نمونه‌ای از روایات فراوان یادشده چنین است:

«قال أبو عبد الله عليه السلام يا معلى اكنم امرنا و لا تدعه فإنه من كتم امرنا و لم يدعه أعزه الله (به - كا) فى الدنيا و جعله نورا بين عينيه فى الآخرة يقوده إلى الجنة يا معلى من أذاع (حدیثنا - المحاسن) أمرنا و لم يكتمه أذله الله به فى الدنيا و نزع النور من بين عينيه فى الآخرة و جعله ظلمة تقوده إلى النار يا معلى ان التقية (من - كا) دینی و دین آبائی و لا دین لمن لا تقیه له یا معلى ان الله یحب ان یعبد فی السر كما یحب ان یعبد فی العلانية یا معلى ان المذیع لأمرنا كالجاحد له (به - المحاسن)؛ امام صادق(ع) فرمود: ای معلى، امر ما را پنهان نگهدار و منتشر نکن، زیرا هر کس امر ما را پنهان نگه دارد و منتشر نکند، خداوند او را در دنیا عزت می‌بخشد و در آخرت نوری در میان دو چشمش می‌گرداند که او را به بهشت راه می‌برد. ای معلى، هر کس امر (حدیث) ما را منتشر کند و پنهان نگه ندارد، خداوند به واسطه آن او را در دنیا خوار می‌گرداند و در آخرت نور را از بین دو چشمش برمی‌کند و آن را تاریکی راهش قرار می‌دهد تا به جهنم دراندازدش. ای معلى، همانا تقیه دین من و پدران من است و کسی که تقیه ندارد، دین ندارد. ای معلى، همانا خداوند دوست دارد پنهانی پرستش شود، همان‌طور که دوست دارد آشکارا پرستش شود. ای معلى، همانا منتشرکننده‌ی امر ما همانند منکر با علم و عمد آن است» (السید البروجردی، ۱۳۶۶، ج ۱۴: ۵۳۲).

۲.۲. اقسام تقیه

تقیه را بر وجوه مختلفی تقسیم کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۵ق: ۱۷۴)؛ اما آن تقییمی که مستقیماً از روایات به دست می‌آید، به دو قسم "تقیه خوفی" و "تقیه مداراتی" تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، روایات تقیه به دو دسته‌ی اصلی قابل تقسیم هستند: دسته‌ی اول روایاتی هستند که در آن‌ها تقیه برای دفع ضرر متوجه خود یا دیگری است. واژه‌ی اضطراب در برخی از روایات این قسم در همین راستاست. این دسته را "تقیه خوفی" می‌نامند. وجه تسمیه در این قسم این است که خوف ضرر در آن اخذ شده است. دسته‌ی دوم روایاتی هستند که در آن‌ها هم‌نوایی با اهل سنت طلب شده است؛ هرچند در این هم‌نوایی، برخی از احکام، آن‌گونه که مورد نظر فقه امامیه است رعایت نگردد؛ از این هم‌نوایی برای اشاره به این قسم از تقیه، به مدارا تعبیر شده و از این رو "تقیه مداراتی" نامیده می‌شود. به نمونه‌ای از روایات تقیه خوفی اشاره می‌کنیم:

«علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن ابن اذينة عن اسماعيل الجعفي ومعمربن يحيى بن سام و محمد بن مسلم و زراره قالوا سمعنا ابا جعفر (ع) يقول: التقية في كل شيء يضطر اليه ابن آدم فقد احله الله له؛ از امام باقر (ع) شنیدیم که فرمود: تقیه در هر چیزی است که انسان به آن اضطراب پیدا کند که خداوند آن را برای او حلال کرده است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۲۰).

در اشاره به تقیه‌ی مداراتی نیز به روایت زیر بسنده می‌کنیم:

«کافی محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن علی بن حکم عن هشام الکندی قال: سمعت ابا عبدالله (ع) يقول اياكم ان تعملوا عملا نغير به فان ولد السوء يعير والده بعمله كونوا لمن انقطعتم اليه زينا ولا تكونوا علينا شينا صلوا في عشاءهم و عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازتهم و لا يسبقونكم الي شيء من الخير فانتم اولي به منهم والله ما عبد الله بشيء احب اليه من الخباء قلت و ما الخباء؟ قال التقية؛ از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: مواظب باشید کاری نکنید که موجب سرزنش ما گردد؛ همانا پدر فرزند بد، به واسطه‌ی عمل فرزندش سرزنش می‌شود. برای کسی که به او منتسب هستید افتخار باشید و موجب سرافکنندگی ما نباشید. در اجتماع آن‌ها نماز بخوانید و بیماران آن‌ها را عیادت کنید و در تشییع جنازه‌ی آن‌ها شرکت کنید و نگذارید آن‌ها در انجام کارهای خوب از شما پیشی بگیرند؛ زیرا شما در انجام کارهای خوب شایسته‌تر از آن‌ها هستید. به خدا قسم که خداوند به چیزی محبوب‌تر نزد او از خباء پرستش نشده است. عرض کردم خباء چیست؟ فرمود: تقیه» (برجوردی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ۵۰۶).

واژه‌ی "خباء" که برای اشاره به تقیه در این روایت به کار رفته است، در استعمال اسم مصدری به معنای پوشش؛ و در استعمال مصدری که به قرینه‌ی اشاره به یک فعل در روایت به کار رفته است، به معنای پنهان کاری است (ابن فارس ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۴۴؛ الخلیل، ۱۴۱۰، ج ۴: ۳۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۶۱).

۳. نقش تقیه در اهداف متیقن و مسلم اطلاعاتی

پیش از این در قابلیت اهداف نظام اسلامی برای شناخت اهداف اطلاعاتی در نظام اسلامی، دسته‌ای از اهداف نظام اسلامی را مبنای اهداف متیقن اطلاعاتی نامیدیم. اکنون، با عنایت به تعریف و اقسام تقیه، به بررسی نقش تقیه در این دسته می‌پردازیم. از میان اهداف شانزده گانه‌ی نظام اسلامی، هدف‌های اول، پنجم و یازدهم، همه یا اجزایی از آن در قدرمتیقن قلمرو اطلاعات قرار می‌گیرند؛ بنابراین می‌توان از روی این دسته از اهداف نظام اسلامی هدف‌های اطلاعاتی زیر را استنباط کرد:

- از بین بردن کلیه‌ی مظاهر فساد و تباهی در جامعه؛
- طرد کامل استعمار خارجی از کشور اسلامی؛
- جلوگیری از نفوذ اجانب در شوؤن مختلف کشور؛
- حفظ استقلال کشور؛
- حفظ تمامیت ارضی کشور؛
- حفظ نظام اسلامی کشور.

چنان که قبلاً نیز اشاره شد، با توجه به سطح کلی این اهداف، باید آن‌ها را اهداف اطلاعات راهبردی به حساب آورد؛ بنابراین اهداف اطلاعات تاکتیکی و عملیاتی در ذیل این اهداف تعریف و تعیین می‌شوند. برای مثال؛ ممکن است ذیل هدف از بین بردن مظاهر فساد و تباهی در جامعه، با توجه به وسعت و پیچیدگی جامعه از یک سو و تنوع و پیچیدگی فرآیندهای فسادزا و تباه‌کننده در جهان امروز، کارشناسان اطلاعاتی متعهد به اهداف نظام اسلامی، صدها هدف تاکتیکی و عملیاتی کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت تدوین کنند تا عوامل اجرایی در راستای آن عمل نمایند. به نظر می‌رسد تلاش اطلاعاتی برای دست‌یافتن به این دسته از اهداف اطلاعاتی می‌تواند موضوع تقیه‌ی خوفی و بازشدن احکام آن را محقق سازد. این ادعا را می‌توان با تأمل در اهداف مذکور از یک سو و ادله‌ی تقیه‌ی خوفی از سوی دیگر اثبات کرد. توضیح این که خدشه در اهداف مذکور از مصادیق بارز ضررهای عظیم و کلان فردی و اجتماعی است. برای مثال؛ وجود مظاهر فساد و تباهی ضرر و شری است که متوجه جامعه‌ی اسلامی می‌شود و بدون شک نظام اسلامی موظف به دفع آن است. حال در صورتی که مبارزه با این پدیده متوقف بر کار اطلاعاتی باشد و این کار هم متوقف

بر رفتاری گردد که اگر دفع ضرر فردی بر آن متوقف بود، وظیفه‌ی فردی که ضرر به او متوجه شده بود - طبق ادله - در پیش گرفتن تقیه‌ی خوفی است، در این صورت بازهم وظیفه، تقیه خواهد بود. این سخن به این معناست که ادله‌ی تقیه‌ی خوفی با موضوع توجه ضرر و خطر اطلاق دارد و شامل توجه ضرر هنگام کار اطلاعاتی هم می‌شود. برای بررسی عمیق‌تر ادعای فوق و پاسخ به اشکالاتی که ممکن است بر علیه آن به ذهن برسد، چند نکته در ذیل می‌آید:

تقیه‌ی خوفی، به لحاظ ادله‌ی اثبات آن، هم سو با ادله‌ی رفع به اضطرار است (السید البروجردی، ۱۳۸۳، ج: ۱، ۳۲۵). در روایت صحیح‌های که قبلاً به عنوان نمونه‌ی روایات این قسم نقل شد، واژه‌ی اضطرار آمده است. بنابراین در این نوع از تقیه باید ماهیت و شرایط اضطرار فراهم باشد.

در مورد این که موصوف اضطرار در هنگام کار اطلاعاتی کدام است، دو احتمال وجود دارد: یک احتمال این است که موصوف، فرد یا افرادی باشند که در حال اشتغال به کار اطلاعاتی هستند؛ در این صورت تطبیق ادله‌ی تقیه‌ی خوفی مانند هم‌هی افراد موضوع ادله خواهد بود که در زمان و مکان صدور این ادله و در غیر آن وجود دارد. بنابراین باید ضرورت اشتغال به کار اطلاعاتی را هم در محاسبه‌ی وضعیت و احکام فقهی افراد در نظر گرفت. ممکن است ادعا شود اگر چنین ضرورتی برای فرد وجود ندارد، صدق اضطرار هم برای او نیست. این نکته همانست که فقها تحت عنوان قید مندوحه برای جریان احکام تقیه بحث کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج: ۲، ۲۰۱؛ خوئی، ۱۴۱۱، ج: ۴، ۳۰۴؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۲، ج: ۴۶). احتمال دیگر این است که موصوف اضطرار را برای کار اطلاعاتی، نظام اسلامی بدانیم که سازمان اطلاعاتی در خدمت آن است. در این صورت با توجه به نوع اهداف کلانی که مورد بحث است، به نظر می‌رسد نظام اسلامی به انجام کار اطلاعاتی که تحقق اهداف ضروری و متیقن مزبور متوقف بر آن است، مضطر است. اگر در صدق اضطرار در معنای لغوی، برای یک نظام خدشه شود که اضطرار به سان یک حالت نفسانی و برای اشخاص است، نمی‌توان در صدق ضرورت که در برخی روایات صحیح‌های تقیه آمده است تردید کرد:

«علی بن ابراهیم، عن ابييه، عن حماد، عن ربعي، عن زرارة، عن ابي جعفر (عليه السلام) قال: التقية في كل ضرورة و صاحبها أعلم بها حين تنزل به؛ امام باقر (ع) فرمود: تقیه در هر ضرورتی است و مبتلا به ضرورت وقتی با آن مواجه می‌شود، به آن داناتر است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۲، ۲۱۹).

به نظر می‌رسد احتمال دوم متعین است. فرض پذیرش حکومت در اسلام و موظف بودن آن به تحقق اهدافی معین در زمان‌ها و مکان‌های مختلف با ابزارهای متناسب در شرایط

گوناگون، از جمله ضرورت تشکیل سازمان‌های اطلاعاتی و انجام کارهای متناسب با آن، این احتمال را قوی‌تر و بلکه متعین می‌سازد. با اختیار این احتمال، افراد اطلاعاتی لازم نیست مصداق مضطر باشند تا بحث مندوحه پیش آید.

تقیه‌ی خوفی که اکنون نقش آن بررسی می‌شود، مقید به تقیه از اهل سنت نیست؛ زیرا ملاک آن ضرورت و اضطرار است. دفع ضرورت و اضطرار ممکن است به موافقت با اهل سنت باشد و ممکن است به موافقت با غیراهل سنت. برای مثال؛ اگر رسیدن به هدف اطلاعاتی (در محدوده‌ی دسته‌ای از اهداف که اکنون مورد بحث است) متوقف بر هم‌رنگ شدن با کافران باشد، اقتضای ادله‌ی تقیه‌ی خوفی جواز آن است.

از آن‌چه تاکنون گفتیم روشن می‌شود که چرا برای این دسته از اهداف نقش تقیه‌ی خوفی را مطرح و بررسی کردیم؛ چون ماهیت ضروری این اهداف برای نظام اسلامی چنین اقتضایی دارد. ممکن است به لحاظ کارشناسی در اهداف ضروری برای نظام اسلامی - علاوه بر بندهایی که ما در این جا مبنا قرار دادیم - بندهای دیگری از اهداف نظام اسلامی نیز مبنای اهداف متیقن و مسلم اطلاعاتی قرار داده شوند؛ در این صورت آن‌چه در این قسم گفتیم، شامل آن‌هم خواهد بود. با عنایت به معیار اضطرار و ضرورت در تقیه خوفی باید قانون اهم و مهم را در آن رعایت کرد. به عبارت دیگر، عمل کردن به مقتضای اضطرار و ضرورت، به معنای خارج شدن از دایره‌ی احکام شرع نیست؛ اضطرار یا ضرورتی که حکمی از احکام الزامی را برمی‌دارد، در حقیقت، رعایت ثبوت و دست برداشتن از حکم شرعی دیگری را می‌کند. برای مثال؛ اگر در شرایط تقیه‌ی خوفی، حکم الزام به سجده بر "ما یصح السجود علیه" در نماز برداشته می‌شود، برای آن است که حکم شرعی، وجوب حفظ نفس یا حفظ دین/مذهب رعایت شود. از همین روست که در برخی از روایات حد تقیه جان مؤمن دانسته شده است:

«عن ابی جعفر(ع) قال: انما جعلت التقیه لیحفظن بها الدم فإذ ابغ الدم فلیس

تقیه؛ امام باقر(ع) فرمود: همانا تقیه برای حفظ جان قرار داده شده است؛ پس اگر پای جان برسد، تقیه‌ای در کار نیست» (بروجردی، ۱۳۶۳، ج ۱۴: ۵۸۵).

۴. نقش تقیه در اهداف توسعه‌انگاران‌هی اطلاعاتی

سایر اهداف نظام اسلامی که در عنوان ضرورت نمی‌گنجد هم می‌توانند مبنای اهداف اطلاعاتی باشند؛ زیرا سازمان‌های اطلاعاتی نظام، مانند سایر شاخه‌ها و فروع آن باید در خدمت تحقق اهداف نظام باشند. پیش از این، اهداف اطلاعاتی برآمده از این دسته از اهداف اسلامی را توسعه‌انگاران‌هی اطلاعاتی نامیدیم. اگر بایستگی این اهداف را برای نظام اسلامی به این معنا بدانیم که کار اطلاعاتی در راستای پیشبرد آن‌ها، مانند اهداف

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره چهاردهم
- پاییز ۹۵

نقش تقیه در
پیشبرد اهداف
اطلاعاتی نظام
اسلامی
(۷۶ تا ۷۴)

دسته اول، ضروری می‌شود، در این صورت نقش تقیه‌ی خوفی با همان بیان و توضیحات گذشته خواهد بود؛ اما در صورتی که نتوانیم عنصر ضرورت را در این قسم از اهداف تبیین کنیم، طبعاً از تقیه‌ی خوفی هم نمی‌توان در این دسته انتظار نقشی را باور داشت. از سوی دیگر، قاموس تقیه در فقه امامیه فراتر از عنوان ضرورت است؛ اما فراتری تقیه از عنوان ضرورت محدود به قسم دوم تقیه در برابر تقیه‌ی خوفی، به نام تقیه مداراتی است. پرسش این است که آیا تقیه‌ی مداراتی هم می‌تواند در اهداف اطلاعاتی اثرگذار باشد؟

در پاسخ پرسش می‌توان گفت: موضوع و هدف در تقیه‌ی مداراتی عبارت است از رفق و مدارا با اهل سنت؛ چه اضطرار و ضرورتی در کار باشد و چه نباشد. در این صورت چنانچه کار اطلاعاتی اقتضای حضور در بین اهل سنت را داشته باشد، طبعاً موضوع تقیه‌ی مداراتی هم فراهم شده است. به عبارت دیگر، حضور در بین اهل سنت به هر دلیلی که باشد، اجرای احکام تقیه‌ی مداراتی را موجب می‌شود. اجرای این احکام موجب نوعی همراهی، هم‌رنگی و هم‌دلی با پیروان مذاهب مختلف اهل سنت توسط مؤمن به مذهب امامیه می‌گردد. طبعاً این هم‌رنگی می‌تواند مجری کار اطلاعاتی را در پیشبرد اهداف اطلاعاتی کمک کند؛ زیرا هم‌سانی با اکثریت مردمی که مجری در بین آنها به سر می‌برد، مانع از تمایز او و در نتیجه باز شدن راهی برای نفوذ در انجام وظیفه‌ی او خواهد شد. اما در صورتی که برای کار اطلاعاتی و پیشبرد اهداف آن، سروکار با اهل سنت نیست و در نتیجه تقیه از آنها هم موضوعیت ندارد، بلکه سروکار با غیراهل سنت و تقیه از غیراهل سنت مطرح است، در این صورت با فرض این که به مقتضای این اهداف عنصر ضرورت و اضطرار هم در کار نیست، تحقق موضوع تقیه‌ی مداراتی با مشکل روبه‌رو است. مشکل این است که ظاهر ادله‌ی تقیه‌ی مداراتی اختصاص آن به تقیه از اهل سنت است.

مفاد ادله‌ی تقیه‌ی مداراتی عبارت است از رجحان معاشرت با اهل سنت به گونه‌ای که آن را در مذهب خود نیکو می‌شمارند و عمل به دین اسلام می‌دانند. این معنا را در نمونه‌ی روایات تقیه‌ی مداراتی که قبلاً نقل کردیم می‌توان دریافت. ظاهر مرجع ضمیرهای جمع مغایب در «صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ عَوَدُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ لَا يَسْبِقُونَكُمْ اِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَانْتُمْ اُولَىٰ بِهِ مِنْهُمْ» در روایت مزبور، اهل سنت هستند که مخاطبان چنین روایاتی در بین آنها زندگی می‌کرده‌اند. ممکن است تمسک به الغای خصوصیت از روایات تقیه‌ی مداراتی راهی برای اجرای آن در تقیه از غیر اهل سنت پنداشته شود؛ اما احتمال خصوصیت برای زندگی مسالمت‌آمیز بلکه برادرانه در بین اهل سنت مانع از این الغای خصوصیت است.

نتیجه گیری

هشت نکته‌ی زیر از مجموع مطالب ارائه شده به دست می‌آید که می‌توان در پژوهش‌هایی مفصل‌تر، هم این نکات را عمیق‌تر نمود و به‌ویژه با نقل آرای بیش‌تر غنی‌تر ساخت و هم فروع فرآوان آن را - که فروع نقش تقیه در اهداف اطلاعاتی است - مطرح و بررسی کرد.

۱. عنصر پنهان‌کاری در کار اطلاعاتی و عنصر رازداری در تقیه، نقطه‌ی آغاز توجه به رابطه‌ی تقیه با اطلاعات است؛

۲. اهداف کلان اطلاعاتی را می‌توان در نظام اسلامی با توجه به کارشناسی: مفهوم، ارکان، اقسام و قلمرو اطلاعات از یک‌سو، و اهداف حکومت در اسلام از سوی دیگر معین کرد؛

۳. اهداف کلان اطلاعاتی در نظام اسلامی که پس از طی فرایند فوق مشخص می‌شوند، بر دو قسم قابل تقسیم هستند: اهداف مسلم و متیقن اطلاعاتی و اهداف توسعه‌انگاره‌ی اطلاعاتی؛

۴. عنصر رازداری و اطلاعاتی عمل کردن در تقیه، از ادله‌ی قرآنی و روایی به دست می‌آید و فتاوا و آرای فقها هم مؤید آن است؛

۵. نقش تقیه‌ی خوفی به دلیل وجود ملاک‌های اضطرار و ضرورت در آن، در پیشبرد اهداف اطلاعاتی مسلم و متیقن، با توجه به در نظر گرفتن اضطرار و ضرورت برای نظام اسلامی و نه افراد، ثابت است و می‌توان فروع فقهی تقیه را در آن تطبیق داد؛

۶. در صورتی که نظام اسلامی را ملزم و مضطر به رسیدن به همه‌ی اهداف حکومت در اسلام بدانیم، تقیه‌ی خوفی در اهداف توسعه‌انگاره‌ی اطلاعاتی نیز قابل تطبیق است؛

۷. مفاد تقیه‌ی مداراتی، رفق و مدارا با اهل سنت است و در نتیجه می‌تواند در کار اطلاعاتی و پیشبرد اهداف آن - در صورت وجود چنین موضوعی - نقش مثبت و پیش‌برنده ایفا کند؛

۸. کاربرد تقیه‌ی مداراتی در جایی که رفق و مدارا با اهل سنت موضوعیت ندارد، مشکل است؛ مگر این که بتوان الغای خصوصیت کرد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۴). النهایه فی غریب الحدیث. قم: اسماعیلیان.

۳. ابن فارس، ابوالحسین (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مكتبة الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: ادب الحوزه.
۵. انصاری، مرتضی (۱۴۱۲ق). التقیه. قم: مؤسسه قائم آل محمد(ص).
۶. بجنوردی، محمدحسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه. قم: الهادی.
۷. بروجردی، سید محمدحسین (۱۳۶۷). جامع احادیث الشیعه. قم: مطبعه مهر.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). صحاح اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
۹. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵ق). الرسائل. قم: اسماعیلین.
۱۰. فراهیدی، الخلیل (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: دارالهجره.
۱۱. عاملی، شیخ حر (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت(ع).
۱۲. نوری، میرزا (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت(ع).
۱۳. عاملی(شهید اول)، محمد بن مکی (بی تا). القواعد و الفوائد. قم: مکتبه المفید.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۱ق). کتاب الطهاره. قم: دارالهادی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: اسلامیه.
۱۶. شولسکی، آبرام (۱۳۹۴). نبرد بی صدا. ترجمه: معاونت پژوهشی دانشکده اطلاعات. تهران: دانشکده اطلاعات.
۱۷. داوئل، مک دان (۱۳۹۴). اطلاعات راهبردی. ترجمه: معاونت پژوهش و تولید علم. تهران: دانشکده اطلاعات.
۱۸. علیخانی، علی (۱۳۹۴). آراء و نظریه‌ها در اطلاعات. تهران: دانشکده اطلاعات.
۱۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.